



یادت باشد...

شهید مدافع حرم حمید سیاهکالی مرادی
به روایت همسر

محمد رسول ملاحسنی

فهرست

- ۷ سخن نویسنده‌هفت‌سین
- ۱۱ کلام همسر شهید ایام هستا
- ۱۵ فصل اول آخواستگاری
- ۳۵ فصل دوم اعقد
- ۶۱ فصل سوم آنامزدی
- ۹۳ فصل چهارم آیام نوروز و دوره مشهد
- ۱۱۱ فصل پنجم اعروسی و ماه عسل
- ۱۳۹ فصل ششم ازندگی مشترک
- ۱۶۹ فصل هفتم اثاث‌کشی
- ۱۹۹ فصل هشتم احاطرات خادمی و اعزام رفقاء حمید
- ۲۲۳ فصل نهم اعزام به سوریه
- ۲۵۳ فصل دهم اشهادت و دوران غربت
- ۲۹۳ وصیت‌نامه
- ۲۹۷ نگارخانه

یک کتابی تازه خوانده‌ام که خیلی برای من جالب بود. دختر و پسر جوان -زن و شوهر- متولدین دهه ۷۰، می‌نشینند برای اینکه در جشن عروسی‌شان گناه انجام نگیرد، نذر می‌کنند سه روزه بگیرند! به نظر من این را باید ثبت کرد در تاریخ که یک دختر و پسر جوانی برای اینکه در جشن عروسی‌شان ناخواسته خلاف شرع و گناهی انجام نگیرد، به خدای متعال متوصل می‌شوند، سه روزه می‌گیرند. پسر عازم دفاع از حریم حضرت زینب رض می‌شود؛ گریه ناخواسته این دختر، دل او را می‌لرزاند؛ به این دختر -به خانمش- می‌گوید که گریه تو دل من را لرزاند، اما آیمان من را نمی‌لرزاند! و آن خانم می‌گوید که من مانع رفتن تو نمی‌شوم. من نمی‌خواهم از آن زن هایی باشم که در روز قیامت پیش فاطمه زهرا سرافکنده باشم! ببینید، این‌ها مال قضایای صد سال پیش و دویست سال پیش نیست، مال سال ۹۴ و ۹۵ و مال همین سال هاست، مال همین روزهای در پیش [روی] ماست؛ امروز این است. در نسل جوان ما یک چنین عناصری حضور دارند، یک چنین حقیقت‌های درخشانی در آن‌ها حضور دارد و وجود دارد. این‌ها را باید یادداشت کرد، این‌ها را باید دید، این‌ها را باید فهمید. فقط هم این [یک نمونه] نیست که بگویید «آقا! به یک گل بهار نمی‌شود»؛ نه، بحث یک گل نیست؛ زیاد هستند از این قبیل. این دو -زن و شوهری که عرض کردم- هر دو داشجو بودند که البته آن پسر هم بعد می‌رود شهید می‌شود؛ جزو شهدای گران قدر دفاع از حریم حضرت زینب رض است. وضعیت این جوری است.